

معرفی و بررسی کتاب

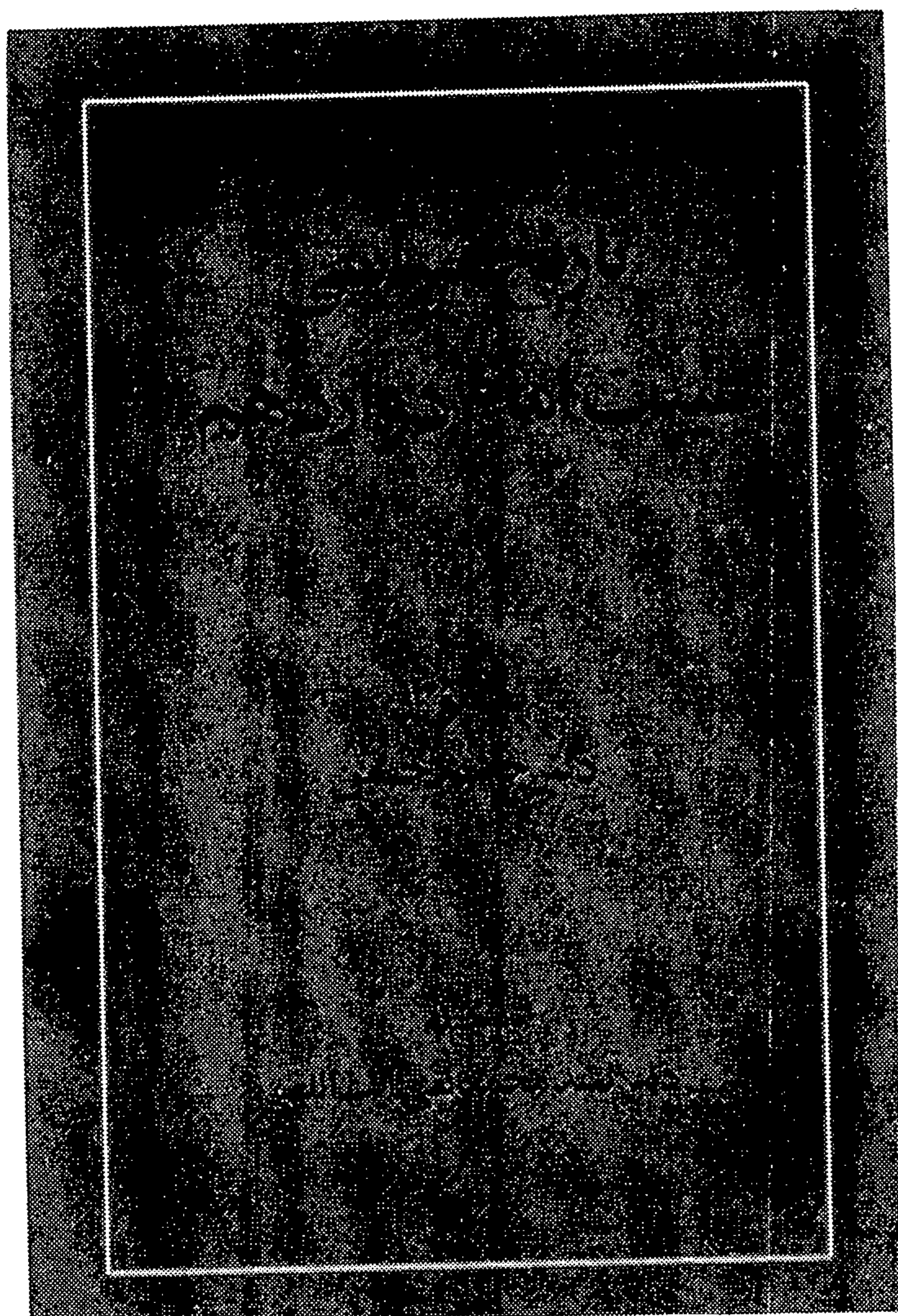
تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم (عج)

● محمدرضا نصوری

مهدویت در تاریخ اسلام از قدمت و اهمیت به سزایی برخوردار است. از این رو، کتاب‌های متعدد و فراوانی طی قرون گذشته، حتی قبل از ولادت آن حضرت و سال‌های اخیر نوشته شده است که هرکدام، زوایایی از ابعاد مختلف و متعدد مهدویت را مورد تأمل و امکان نظر قرار داده‌اند.

از جمله کتاب‌هایی که در دهه‌های اخیر نوشته شده و افق جدیدی را بر روی محققین گشوده است، کتاب تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم (عج) اثر محققانه‌ی دکتر جاسم حسین است. این کتاب که به حق، در نوع خود کم‌نظیر است، به تاریخ سازمان وکالت و نقش آن در دوران غیبت صغری می‌پردازد.

متأسفانه به نظر می‌رسد این کتاب آن گونه که شایسته آن است در میان دانش‌پژوهان و محققان ایران شناخته شده نیست. از این رو، بسیار مناسب است که به معرفی و نقد و بررسی آن پرداخته شود که تتبع و تحقیق بیشتر را به عهده علاقه‌مندان می‌گذاریم. البته جا دارد از مترجم این کتاب، آقای دکتر سید محمد تقی آیت‌اللهی که به حق، ترجمه‌ای قوی و روان را انجام داده‌اند، تقدیر به عمل آید.



مترجم محترم در جاهای مختلف در برخی پاورقی‌ها به نقد و بررسی این کتاب پرداخته است. از جمله در صفحات ۴۴، ۴۶، ۸۸، ۱۱۳، ۲۳۸، ۲۳۹.

این کتاب که توسط انتشارات امیرکبیر در قطع وزیری در دو نوبت به چاپ رسیده، مدت‌هاست که نسخه‌های آن نایاب شده است. امید است مسئولان امر نسبت به تجدید چاپ این اثر ارزنده اهتمام ورزند تا محققان به نحو احسن از این اثر ارزشمند استفاده کنند.

آشنایی با مؤلف کتاب

دکتر جاسم محمد حسین، اهل عراق و متخصص در تاریخ اسلام است. وی تحصیلات خود را در تاریخ خاور میانه در بصره، بغداد و ادینبورگ به انجام رسانده و دکترای خود را از دانشگاه ادینبورگ اخذ کرده است. سپس در بخش «مطالعات اسلامی و خاور میانه» دانشگاه ادینبورگ، دوره‌ی تحقیقات فوق دکترا را ادامه می‌دهد.

علاوه بر تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم (عج)، مقالات و کتاب‌های محققانه‌ی دیگری نیز از دکتر جاسم حسین، به زبان‌های انگلیسی، عربی و اردو به چاپ رسیده است. برخی از آن‌ها عبارتند از:

۱. بررسی مراسم مذهبی تعزیه در میان شیعیان از دیدگاه تاریخی و جامعه‌شناسی.

۲. سیاست اصولی و منسجم امامان علیهم‌السلام.

۳. نقش احادیث مذهبی در غیبت امام دوازدهم (عج).

۴. تأثیر غیبت کبری امام دوازدهم (عج) بر موقعیت سیاسی و مذهبی فقهای امامیه.

۵. نقش وکالت امامیه با عنایت خاص نسبت به دوران نخستین سفیر^۱.

آشنایی با کتاب و فصل‌های مختلف آن

این اثر با ورود و خروج بسیار عالی به مباحث، یک سیر تحقیقی محققانه و منصفانه را پی می‌گیرد و از یک مقدمه، هفت فصل و نتیجه‌گیری تشکیل شده است.

مقدمه: معرفی منابع اولیه و بررسی آنها.

فصل اول: نقش احادیث در غیبت امام دوازدهم (عج).

فصل دوم: نقش امامان در فعالیت‌های مخفی و تأثیر آن بر تکامل تدریجی غیبت.

فصل سوم: دیدگاه‌های امامیه درباره‌ی امام غائب و ولادت آن حضرت.

فصل چهارم: بازتاب فعالیت‌های مخفی امام دوازدهم (عج) در اقدامات سفیران

آن حضرت.

فصل پنجم: فعالیت‌های مخفی دومین سفیر امام دوازدهم (عج).

فصل ششم: دوران نوبختی، سومین سفیر.

فصل هفتم: سفیر چهارم و غیبت کبری امام دوازدهم (عج).

نتیجه‌گیری: از کل مباحثی که در کتاب مطرح شده است.

مقدمه

نویسنده با تفکیک نگاه تاریخی از اعتقادی و اهمیت نگاه اعتقادی، به معرفی و بررسی مآخذ و منابع تاریخ عصر غیبت می‌پردازد. وی منابع را به سه بخش تقسیم

می‌کند، آنگاه به بررسی هر بخش می‌پردازد.

بخش اول - کتاب‌هایی که در خصوص غیبت نوشته شده است:

الف) قبل از سال ۲۶۰هـ / ۸۷۴م.

ب) در سال‌های ۲۶۰هـ - ۳۲۹هـ / ۸۷۴-۹۴۱م.

ج) بعد از سال ۳۲۹هـ / ۹۴۱م.

بخش دوم - کتاب‌های رجالی:

الف) معرفة الناقلين عن الأئمة الصادقين، اثر: محمد بن عمر کشی (متوفی ۳۶۸هـ /

۹۷۸م.)

ب) الفهرست شیخ طوسی.

ج) الرجال شیخ طوسی.

د) فهرست اسماء مصنفی الشيعة، اثر احمد بن علی نجاشی (متوفی ۴۵۰هـ / ۱۰۵۸م.)

بخش سوم - کتاب‌های تاریخ عمومی:

الف) تاریخ الرسل والملوک، طبری.

ب) مروج الذهب، التنبيه والاشراف، مسعودی و اثبات الوصایة، (منسوب به او).

ج) الكامل فی التاريخ، ابن اثیر.

فصل اول

نویسنده در این فصل، نقش احادیث ائمه‌ی معصومین^{علیهم‌السلام} را در غیبت امام دوازدهم (عج) بررسی می‌کند. او ابتدا، واژه‌ی مهدی را ریشه‌یابی می‌کند که گروه‌هایی مثل کیسانیه، زیدیه، ناووسیه و ... چگونه از این واژه بهره می‌برند. سپس به غیبت قائم مهدی (عج) در قرآن می‌پردازد و بیان می‌دارد که تفاسیر شیعه، به بسیاری از آیات به عنوان مظهري از نقش قائم و غیبت او می‌نگرند.

وی در ادامه، احادیثی را که مربوط به امام دوازدهم (عج) و غیبت آن حضرت می‌باشد، بررسی می‌کند و معتقد است رقابت سیاسی موجود در میان مسلمین،

افرادی را تشجیع می‌کرد تا از این امید بزرگ، سوء استفاده کنند و احادیث نبوی را به نفع خود در تلاش خویش برای کسب قدرت، منحرف سازند.

نویسنده، احادیث اهل سنت را درباره‌ی جانشینان پیامبر ﷺ که دوازده نفرند، می‌آورد و یادآوری می‌کند که در آن روایات، سخنی از این که دوازدهمین آن‌ها در پرده‌ی غیبت به سر می‌برد، نیست، با آن که او، قائم مهدی (عج) است. بعد، احادیث زیدیه و امامیه را بیان می‌کند که به وضوح نشان می‌دهد، امام دوازدهم قائم است. نویسنده در ادامه به نقش سیاسی قائم در جامعه می‌پردازد و ایجاد زمینه سازی توسط امامان و علایم ظهور قائم را توضیح می‌دهد.

فصل دوم

نویسنده در این فصل، نقش امامان علیهم‌السلام در فعالیت‌های مخفی و زیرزمینی و تأثیر آن بر تکامل تدریجی غیبت از امام ششم علیه‌السلام به بعد را بررسی می‌کند که چگونه با فشارهای عباسیان سیاست تقیه را در پیش گرفته بودند. علاوه بر آن شکاف‌های ایجاد شده در میان امامیه را توضیح می‌دهد.

مؤلف، موقعیت امام صادق علیه‌السلام و نگرش امام علیه‌السلام به نظام سیاسی جدید را با شرایط بحرانی‌ای که عباسیان به وجود آورده بودند، توضیح می‌دهد و می‌گوید که همین مسأله امام علیه‌السلام را واداشت تا ابزار جدیدی برای ارتباط با اعضای جامعه‌ی خود جست و جو کند. لذا امام، نظام زیرزمینی ارتباطات (التنظیم السری) را در جامعه به کار گرفت.

در دوره‌ی امام کاظم علیه‌السلام، امامیه به علت فشار عباسیان و قیام اسماعیلیه، ضعیف شده بودند. لذا امام علیه‌السلام با در پیش گرفتن سیاست تقیه، هواداران خود را از هرگونه قیام مسلحانه، منع می‌کرد. با شهادت امام کاظم علیه‌السلام، شکاف دیگری میان امامیه ایجاد شد و بخش عظیمی واقفیه شدند؛ یعنی امام کاظم علیه‌السلام را قائم مهدی دانستند. در این جا، نویسنده چهار گروهی را که در مرگ امام علیه‌السلام اختلاف داشتند، توضیح می‌دهد، که سه گروه به رحلت امام علیه‌السلام معتقد بودند و یک گروه منکر. علت اصلی انکارشان به خاطر اموال و پول‌هایی بود که به عنوان سهم امام علیه‌السلام در اختیار داشتند

و می خواستند به بهانه و عذری آن‌ها را پس ندهند. سپس دوران امام رضا علیه السلام را توضیح می دهد که سیاست تقیه هم چنان ادامه دارد و امام علیه السلام چون با مأمون در حکومت نقش دارد، لذا در این زمان، از نهاد وکالت سخنی در میان نیست. ولی گسترش سازمان امامت (وکالت) را در زمان امام جواد علیه السلام، شاهد هستیم و امام علیه السلام به هواداران خود اجازه‌ی نفوذ به دستگاه عباسیان را می دهد. البته فعالیت‌های مخفی تنها به منظور هدایت امور مالی و مذهبی امامیه صورت می گرفت، نه تهدید حکومت مأمون.

نویسنده در ادامه، به دیدگاه عباسیان نسبت به فعالیت امام هادی علیه السلام می پردازد و شیوه‌ی خشن برخورد متوکل در قالب اقدامات ضد شیعی و تأسیس ارتش نوین موسوم به «شاکریه» را که به ضد علوی معروف بودند، بررسی می کند که چگونه وکلای امام را دستگیر و شکنجه و به شهادت می رساندند و حتی قبور ائمه علیهم السلام را تخریب کردند. اقدامات متوکل لطمات جدی به ارتباطات شبکه‌ی وکالت وارد کرد، ولی مانع از فعالیت امام هادی علیه السلام نشد. در زمان منتصر، اوضاع کمی بهتر شد، ولی قیام‌های متعدد باعث شد عباسیان، قیام‌ها را با امامیه مرتبط بدانند و رهبران امامیه را به سامراء فرابخوانند.

بعد از شهادت امام هادی علیه السلام، دیدگاه محتاطانه‌ی حکومت نسبت به امامیه در طول امامت امام عسکری علیه السلام ادامه یافت و حضرت هم سیاست تقیه را در پیش گرفت.

نویسنده در پایان فصل، نتیجه می گیرد که امامان علیهم السلام بعد از شهادت امام حسین علیه السلام، حالت تقیه نسبت به خلفاء را در پیش گرفتند و پیوسته آماده‌ی قیام بودند و اگر پیروان متعهدی داشتند، قیام می کردند. لذا با توجه به اوضاع و شرایط سیاسی، سیاست تقیه، بهترین روش بود. از سویی تا زمان امام عصر (عج)، نهاد یا سازمان مخفی وکالت را تشکیل دادند.

حضرت و انشعاباتى را که بعد از شهادت امام عسکرى علیه السلام میان هواداران حضرت به وجود آمده است، تحلیل می‌کند. بررسی تاریخی و اعتقادی حاکی از آن است که در رحلت امام عسکرى علیه السلام، امامیه درگیر مسایلی شدند که مانند آن پس از رحلت امام هفتم علیه السلام پیش آمد. اینان به واقفه، محمدیه، جعفریه و قطعیه منشعب شدند. نویسنده در ادامه به بررسی روایت صدوق رضی الله عنه پیرامون مادر حضرت اشاره دارد و شواهدی را بر عدم صحت این روایت و علت تعدد نام مادر حضرت بیان می‌دارد. سپس نویسنده، دلایل غیبت صغری را بیان می‌کند و نتیجه می‌گیرد که این عوامل باعث شد فعالیت‌های سازمان امامت به طور مخفی انجام گیرد و حتی امام دوازدهم علیه السلام را هم ناچار ساخت تا از پیروان خود، غیبت کند و از طریق سازمان مخفی امامت، فعالیت‌های خود را ادامه دهد.

نویسنده در پایان این فصل، به طرح امام عسکرى علیه السلام برای اختفای جانشین خود، تغییر مکان آن حضرت، ادامه‌ی فعالیت‌های سیاسی و مذهبی از طریق نهاد وکالت، تلاش عباسیان برای دستگیری فرزند امام عسکرى علیه السلام اشاره دارد.

فصل چهارم

نویسنده در این فصل، به بازتاب فعالیت‌های مخفی امام دوازدهم علیه السلام در اقدامات سفیران آن حضرت با بررسی اجمالی وکالت قبل از امام دوازدهم علیه السلام از زمان امام صادق علیه السلام پرداخته و وظایف اصلی وکلا را برمی‌شمارد. سپس به دوره‌ی اولیه زندگی عثمان بن سعید پرداخته که از سن یازده سالگی در خدمت امام جواد علیه السلام و بعد از آن در خدمت امام هادی علیه السلام بوده است. در این دوره، عثمان بن سعید، عهده دار امور داخلی سازمان و تنظیم روابط بین مرکز سازمان و دیگر شعب بود. وی در دوران امام یازدهم علیه السلام هم‌چنان در سمت خود ابقا شد.

نویسنده در ادامه، به مخالفین سفیر اول پرداخته و به وکالت عثمان بن سعید در زمان امام دوازدهم (عج) و مهاجرت او به بغداد و زندگی اش به صورت تقیه اشاره دارد. این تقیه تا آن جا بود که او حتی در مجادلات سیاسی نیز وارد نمی‌شد و در شغل روغن فروشی، زندگی را می‌گذارند. سازمان وکالت در دوران سفیر اول، پنج

ناحیه را پوشش می‌داد که عبارتند از:

۱ - عراق که مرکز سفارت بود.

۲ - مصر، حجاز، یمن که به نظر می‌رسد مرکز اصلی سازمان در این ناحیه، مدینه

باشد.

۳ - آذربایجان و اران.

۴ - قم و دینور.

۵ - ری و خراسان.

مؤلف در انتهای این فصل می‌افزاید که سال وفات سفیر اول معلوم نیست و قبر

وی در قسمت غربی بغداد در مسجد «درب» قرار دارد.

فصل پنجم

در این فصل، به فعالیت‌های مخفی دومین سفیر امام (عج)؛ محمد بن عثمان بن سعید عمری پرداخته می‌شود. آن‌گاه انگیزه‌های افرادی را که منکر وکالت وی شدند، بررسی می‌کند؛ افرادی هم‌چون ابن هلال، بلالی و محمد بن نصیر. سپس به فعالیت‌های وی درباره‌ی وکلای دروغین و فشار عباسیان می‌پردازد.

وکیل دوم، بسیار زیرک و دقیق بود، تا آن‌جا که هیچ ردپایی از کارهای خود باقی نمی‌گذاشت و همواره جان خود و امام را از خطر، محفوظ نگاه می‌داشت.

نویسنده در ادامه، تأثیر فعالیت‌های انقلابی سایر گروه‌های شیعه بر نگرش عباسیان را نسبت به امام (عج) بررسی می‌کند و عواملی را که باعث تیره شدن روابط عباسیان با امامیه می‌شود، برمی‌شمارد، مثل: قیام زنگیان یا کشف فعالیت‌های زیرزمینی گروه‌های اسماعیلیه‌ی اصلی و قرامطه. چون عباسیان بین فرقه شیعه، تفاوت قایل نبودند.

مؤلف در پایان فصل، به وفات ابوجعفر اشاره دارد که وی زمان مرگ خود را

پیش‌گویی کرد و سنگ قبر خود را آماده ساخته بود. قبر وی در جاده‌ای که به کوفه

ختم می‌شود، در سمت غربی بغداد می‌باشد.

فصل ششم

این فصل به سومین سفیر؛ یعنی ابوالقاسم حسین بن روح بن ابی بجر نوبختی، اختصاص دارد. در ابتدا به معرفی نوبختی و فعالیت‌های او در دوران سفیر دوم می‌پردازد. بعد نحوه‌ی انتصاب او را بیان می‌کند که سفیر دوم در بستر مرگ، در حالی که همگی بر بالین او گرد آمده بودند، ابن روح نوبختی را با بیان این مطلب که امام دوازدهم (عج) دستور فرموده‌اند، منصوب کرد. سپس نویسنده به فعالیت‌ها و اقدامات ابن روح پرداخته و این که وی به صورت تقیه و با هشجاری کامل، وظایف محوله را به نحو احسن پی‌گیری می‌کرده است.

نویسنده در ادامه اشاره دارد به تقابل نوبختی با شلمغانی که ابتدا دستیار و قائم مقام نوبختی بود و بعدها به خاطر عقاید الحادی و انحرافی شلمغانی، از هم جدا شدند. از امام دوازدهم (عج) درباره‌ی ارتداد و انحراف شلمغانی، توقیعی توسط سفیر سوم انتشار یافت.

پس از مرگ شلمغانی ۳۲۳ هـ / ۹۳۴ م، اقتدار ابن روح نوبختی حتی میان عباسیان هم بالا گرفت. ابن روح در سال ۳۲۶ هـ ق رحلت یافت و در قریه‌ی «نوبختیه» در غرب بغداد دفن گردید.

فصل هفتم

مؤلف در این فصل، به زندگی و فعالیت‌های ابوالحسن علی بن محمد سمري و حوادث ابتدای غیبت کبری می‌پردازد. به گفته‌ی وی، چون دوران سفارت سفیر چهارم کوتاه بود (۳۲۹ هـ - ۳۲۶ هـ / ۹۴۱ م - ۹۳۷ م)، تغییرات قابل ملاحظه‌ای در روابط او با وکلا نمی‌توانست پدید آید. یک هفته قبل از فوت وی، امام (عج) در توقیعی به پایان ارتباط مستقیم بین سفیران با امام و آغاز غیبت کبری اشاره دارند. نویسنده در ادامه، به نگرش فضلالی امامیه نسبت به غیبت کبری می‌پردازد. از این دوران به دوران «حیرت و امتحان» یاد می‌شود. این دوران با حملات گروه‌های مخالف همراه بود. این حملات، علمای امامیه را وادار ساخت که بیشتر به مباحث کلامی روی آورند.

نویسنده در انتها، عواملی را که باعث گسترش نقش علما و فقها پس از غیبت کبری می شود، توضیح می دهد.

نتیجه گیری

۱ - این که ماهیت غیبت امام دوازدهم (عج) در تاریخ شیعه از قدمت بسیار برخوردار است و با مسأله‌ی امامت، ارتباط نزدیک دارد و ائمه علیهم السلام فرصت نیافتند به جز چند سال از حکومت علی علیه السلام حکم برانند. لذا فعالیت‌های خود را در سه زمینه‌ی عمده، محدود ساخته بودند:

الف) نشر احادیث نبوی میان مردم و آشنایی مردم با رهبران واقعی جامعه.

ب) از زمان امام صادق علیه السلام، احادیث مربوط به قیام امام (عج) و تشکیل حکومت جهانی نشر داده شد، اما احادیث، تاریخ قیام را تعیین نمی کرد و این ابهام باعث سوء استفاده‌هایی هم شد.

ج) ائمه‌ی نخستین معتقد بودند که اگر شرایط ایجاب کند، هر یک از آنان می توانند قائم مهدی باشند، اما پس از شکست قیام مورد نظرشان به سال ۱۴۰ هـ.ق. مصمم شدند تا پیروان حق را به تعمق در امور مذهبی تشویق و شرایط سیاسی را به نفع خود هموار کنند. از نتایج این سیاست‌ها، تأسیس سازمان وکالت در دوران امام صادق علیه السلام بود که به صورت ابزاری برای سرپرستی فعالیت‌های امامیه و در نهایت، تأسیس حکومت حقه اسلامی به کار می رفت.

۲ - عباسیان متوجه خطر امامیه و شیعیان برای خود بودند، لذا در پی انحراف توجه مردم به آنان برآمدند و به جعل احادیثی مبنی بر این که امام و پیشوای بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله، عباس است نه علی علیه السلام پرداختند. هم چنین به اقداماتی در جهت انشعاب میان شیعیان دست زدند. آنان برای نظارت مستقیم بر رهبران امامیه، پای امامان علیهم السلام را به دربار کشاندند. سپس روابط بین پیروان و امامان مشکل شده بود. در این زمان، اختیاراتی به سفیران تفویض شد تا فعالیت‌های امامیه را سرپرستی کنند.

۳ - این کتاب کوششی است در راستای اثبات امام دوازدهم (عج)، جانشین امام حسن عسکری علیه السلام که موسوم به محمد می باشد و دو غیبت دارد که غیبت اول با

گسترش نقش وکالت و فعالیت‌های چهار سفیر همراه است.

مطالعه‌ی منتقدانه‌ی این دوره نشان می‌دهد که وظیفه‌ی اصلی سفرا، انجام وظایف خاصی بود که پیش از این، ائمه به عهده داشتند تا امام را از فشارهای سیاسی که توسط عباسیان اعمال می‌شد، محفوظ دارند.

۴- با فوت سفیر چهارم، ارتباط مستقیم با امام خاتمه یافت و نهاد وکالت هم به پایان خود رسید و امامیه در غیبت کبری و در انتظار واقع شد. فقها در این زمان به خود جرأت نمی‌دادند به نمایندگی از سوی امام اقدامی کنند، ولی طولانی شدن دوران غیبت، فقها را بر آن داشت تا خلاً موجود را پر کنند. لذا با توجه بیشتری به امور عقیدتی پرداختند و به تدریج به عنوان نایبان غیر مستقیم (نایب عام) امام غایب مورد توجه قرار گرفتند و جامعه را به فقه اسلامی رهبری و هدایت کردند.

نقد و بررسی

۱- این اثبات می‌کند که آن امام منتظر و موعود، امام دوازدهم (عج) شیعیان است که در پرده‌ی غیبت به سر می‌برد و زمانی که علایم ظهور مندرج در حدیث نبوی آشکار شود، ظهور خواهد کرد.

۲- مؤلف با تکیه بر منابع قدیمی و اصیل شیعه با تحقیقی عمیق، زمینه‌های تاریخی غیبت امام را از زمان امام صادق علیه السلام بررسی و قائمیت امام زمان را اثبات می‌کند.

۳- رعایت اصل ریشه‌یابی دقیق نسبت به حوادث عصر غیبت صغری، موجب پدید آمدن امتیاز خاص و شاید منحصر به فردی در این اثر شده و آن همانا پرداختن به مسأله‌ی سازمان وکالت و نگاه دقیق و تفصیلی به آن است؛ زیرا در حقیقت سازمان وکالت در عصر غیبت صغری ادامه‌ی حرکتی بود که از عصر امام صادق علیه السلام پدید آمد و با گزینش وکلا و اعزام آنان به مناطق شیعی محقق شد. البته برخی دیگر از محققین، شروع سازمان وکالت را از زمان امام هفتم علیه السلام می‌دانند و این نظریه‌ی نویسنده را رد می‌کنند،^۲ اما به نظر می‌رسد، حق با جاسم حسین باشد.^۳

۴- این اثر از جمله معدود منابع تحقیقی و پژوهشی پیرامون عصر غیبت صغری

است که با دید تحلیلی - انتقادی به بررسی وضعیت سیاسی، اجتماعی، دینی و فرهنگی این عصر پرداخته است.

۵- از ویژگی‌ها و امتیازات این اثر آن است که مؤلف سعی کرده است که حوادث و جریان‌ها موجود در عصر غیبت صغری را با ملاحظه‌ی ریشه‌های تاریخی آن در عصر حضور ائمه بررسی کند. ایشان به ذکر احادیثی می‌پردازد که از دیرباز درباره‌ی مهدی (عج) در میان شیعیان رایج بوده است و مشخصاً اثبات می‌کند که مهدی موعود (عج)، همان امام دوازدهم شیعیان است.

۶- مؤلف در موارد بسیاری، فراتر از ظواهر نصوص حرکت کرده و از خلال نصوص تاریخی توانسته است پیام، نص یا لوازم آن را نیز استکشاف کند.

۷- از آن جا که کشف روابط درون گروهی شیعه در عصر غیبت صغری و ارتباطات شیعیان با سفرای ناحیه‌ی مقدسه، نقش بسیار مهمی در شناخت دقیق وضعیت سیاسی و اجتماعی شیعه در این عصر دارد، لذا مؤلف ضمن نگاه دقیق به مسایل عصر نواب اربعه با بهره‌گیری از منابعی که بعضاً شهرت چندانی ندارند، سعی کرده است یک چارچوب منطقی را برای ترسیم وقایع این عصر فراهم آورد.

۸- این اثر در زبان انگلیسی، اولین تألیفی است که به وجود امام دوازدهم علیه السلام به طور کامل بحث کرده و آن را اثبات کرده است. البته به زبان عربی، اردو و فارسی نیز ترجمه شده است.

۹- گرچه مؤلف سعی کرده است اسامی اعضای سازمان وکالت را از عصر امام صادق علیه السلام به بعد کشف و در جای خود نقل کند و تا حدود زیادی نیز در این جهت موفق بوده، اما در برخی موارد، معرفی کامل نبوده است و در مواردی، افرادی را به عنوان وکیل معرفی کرده که وکالت‌شان اثبات نشده است. برخی از آن‌ها عبارتند از:

الف) علی بن بابویه (ص ۲۶)

ب) محمد بن ابی عمیر (ص ۱۳۵) که وکیل بغداد معرفی شده، ولی وکالت وی با توجه به کتب رجالی، ثابت نشده است.

ج) حسن بن فضل بن زید یمانی (صص ۱۵۰ و ۱۷۱) که وکیل توس معرفی شده است، در حالی که شیخ صدوق رحمته الله به عدم وکالت وی، تصریح دارد.^۴ گرچه قرینه‌ای

بر وکالت وی می توان یافت، ولی در هر حال تصریح نشده است.
 (د) عبدالله بن جعفر حمیری (ص ۱۵۳). به عنوان وکیل برجسته‌ی قم معرفی شده، در حالی که وکالت وی ثابت نشده است.
 (ه) احمد بن محمد دینوری (ص ۱۵۳). گرچه قرینه‌ای هست که ایشان وکیل است، ولی تصریحی بر وکالت ایشان نیست. بهتر آن است که اسم‌شان جزء محتمل الوکالة معرفی شود.
 (و) احمد بن حسن مادرایی (ص ۱۵۳) به عنوان وکیل نیشابور معرفی شده است. گرچه احتمال وکالت وی زیاد است، ولی در منابع رجالی، تصریحی به آن نیست.

(ح) ابوسهل بن نوبختی (ص ۱۹۸) که وکالت وی ثابت نشده است.
 ۹- مؤلف در برخی موارد با دقت‌های موشکافانه، به نقد و بررسی برخی روایت‌ها می‌پردازد. از جمله می‌توان به بررسی وی در مورد روایت صدوق رضی الله عنه پیرامون مادر حضرت حجت (عج) اشاره کرد که در پایان، مناسب است تمامی متن آن آورده شود.^۵

مادر امام دوازدهم

مسعودی، قدیمی‌ترین عالم امامی است که درباره‌ی امام دوازدهم خبر می‌دهد. بنا به گزارش او، مادر ایشان، کنیزی به نام نرجس بوده است. [۵۳] شہید (متوفی ۷۸۶ هـ / ۱۳۸۴ م) نام او را مریم بن زید علویه ذکر می‌کند [۵۴] و دیگر اخبار، او را ریحانه، صیقل و سوسن می‌نامند. [۵۵] امکان دارد نام اصلی او همان نرجس باشد و دیگر اسامی به جز صیقل را بانوی او حکیمه؛ دختر امام جواد علیه السلام به وی داده باشد. مردم آن زمان، کنیزان را برای خوش‌آمدگویی به اسامی گوناگون می‌خواندند و نرجس، ریحانه و سوسن همه اسامی گل‌ها هستند.

قدیمی‌ترین خبر درباره‌ی ملیت مادر امام دوازدهم، به سال ۲۸۶ هـ / ۸۹۹ م برمی‌گردد. صدوق رضی الله عنه نخستین بار به نقل از محمد بن بحر شیبانی که روایت خود را به بشر بن سلیمان نخاس منسوب می‌داند، این موضوع را ذکر کرده است. طبق این

خبر، او شخصی مسیحی مذهب از روم بود که توسط نیروهای اسلامی به اسارت درآمد و به صورت کنیز در معرض فروش قرار گرفت. نخاس، وی را از بازار برده فروشان بغداد خرید و به محضر امام دهم علیه السلام حضرت علی هادی علیه السلام در سامراء فرستاد. روایت مذکور، پس از بیان این مطلب، اعتبار خود را از دست داده و به سبک شرح نویسی زندگی اولیا و قدسین درمی آید. روایت می شود که مادر امام دوازدهم، ملیکه بنت یشوع، نوهی دختری قیصر روم بود و مادرش از اعقاب شمعون؛ حواری عیسی علیه السلام بوده است. زمانی که ملیکه در کاخ جدش، مریم علیه السلام مادر عیسی علیه السلام و حضرت فاطمه علیه السلام، دختر پیامبر اسلام را در عالم رؤیا می بیند، حضرت فاطمه علیه السلام در عالم رؤیا، او را به اسلام دعوت می کند و وی را متقاعد می سازد تا خود را به اسارت لشکریان اسلام درآورد. [۵۶] توثیق این روایت از جنبه های گوناگون مورد سؤال قرار گرفته است. شک آورترین نکته در بخش آخر این روایت ملاحظه می شود:

اولاً: پس از سال ۲۴۲هـ / ۸۵۶م جنگ عمده ای بین عباسیان و رومیان وجود نداشته و هیچ دلیلی هم در مآخذ دیده نمی شود که امپراتور روم از عباسیان، تقاضای آزادی نوادهی دختری خود را کرده باشد. [۵۷]

ثانیاً: نویسندگان متقدم امامی به ویژه قمی، نوبختی، کلینی و مسعودی که معاصر شیبانی (راوی حدیث) بوده اند، در آثار خود به این روایت رجوع نکرده اند. به علاوه، کشی که از یاران شیبانی است و نجاشی و ابن داود از علمای بعدی، مدعی هستند که وی از غلات بوده است. [۵۸]

ثالثاً: کلینی می گوید که مادر قائم، کنیزی از نویه، استان شمالی سودان بوده است. [۵۹] به علاوه، نعمانی و صدوق، احادیث دیگری را روایت می کنند که حاکی از آن است که مادر قائم، کنیزی سیاه بوده است. [۶۰] امکان دارد علت آن که متأخرین امامیه، این روایات را نادیده انگاشته و روایت شیبانی را موثق پنداشته اند، آن باشد که روایت مذکور، مادر امام قائم را از نسلی شریف و طبقه ی ممتاز اجتماعی می داند. به ویژه وجود رابطه ای بین امام دوازدهم، قائم (عج) و عیسی علیه السلام در این حدیث، آن ها را مجذوب کرده است؛ زیرا احادیث نبوی حکایت از آن دارد که هر

دو با هم قیام کرده و دنیا را از شرّ ظلم و جور، رهایی می بخشند. [۶۱]

با ملاحظه‌ی این سه نکته، روایت محمد بن بحر شیبانی را می توان رد کرد، با وجود آن که طوسی و ابن رستم طبری آن را موثق می دانند. [۶۲]

احتمالاً شیخ مفید، خبر صحیحی از منشأ مادر قائم ارایه داده باشد. وی می گوید: آن بانو، کنیزی بود که در خانه‌ی حکیمه، خواهر امام دهم علیه السلام، بزرگ شد. بنا به گفته‌ی او، چون امام سیمای او را دید، پیش بینی کرد که از وی، فرزندی با عنایت خاص الهی به دنیا خواهد آمد. [۶۳] طبق نظریه‌ی صدوق، وی قبل از رحلت شوهرش، امام حسن عسکری علیه السلام به سال ۲۶۰هـ / ۸۷۴م درگذشته است، [۶۴] ولی بنا بر روایت نجاشی، پس از این سال نیز در قید حیات بوده و در خانه‌ی محمد بن علی بن حمزه از دستیاران نزدیک همسرش، امام حسن عسکری علیه السلام پنهان شده است. [۶۵]

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم (عج)، جاسم حسین، ترجمه: دکتر آیت اللهی، ص ۱۲.
- ۲- مکتب در فرآیند تکامل، دکتر سید حسن مدرسی طباطبایی، ترجمه هاشم ایزدپناه، ص ۲۰.
- ۳- تاریخ عصر غیبت، (آقایی، جباری، عاشوری حکیم)، ص ۱۸۵.
- ۴- کمال الدین، شیخ صدوق رضی الله عنه، ص ۴۲۶.
- ۵- شایان ذکر است که نقل سخن جاسم حسین به معنای پذیرش آن نیست بلکه از باب نمونه است.
- ۶- این شماره‌ها، شماره‌های پی‌نوشت کتاب است. علاقه‌مندان می توانند به اصل کتاب صص ۱۱۴ - ۱۱۵ مراجعه کنند.